

تأثیر شرایط اقلیمی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بر انحطاط اقتصادی شهر بغداد در عصر خلافت عباسی

منصوره کریمی قهی*

چکیده

عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... در روند انحطاط اقتصادی بغداد در عصر دوم خلافت عباسی تأثیر داشته‌است. این پژوهش، دو متغیر شرایط اقلیمی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را به دلیل تأثیر مستقیم بر انحطاط اقتصادی بغداد بررسی کرده و با رویکردی تاریخی و با استفاده از داده‌های برگرفته از منابع تاریخی و جغرافیایی و با روش تحلیلی-تبیینی، در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که شرایط اقلیمی و همچنین سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بر انحطاط اقتصادی بغداد چه تأثیری داشت؟.

نتایج بررسی حاکی از آن است که شرایط اقلیمی بغداد، که در دوران ثبات سیاسی خلافت عباسی و تحت نظارت دقیق حاکمیت، از عوامل اصلی رونق اقتصادی دارالخلافه بود، در دوره‌های پرآشوب حضور امیرالامرایان، دیلمیان و سلجوقیان در بغداد، عامل نابسامانی کشاورزی و تجارت شد. شاخصه‌های اقلیمی چون طغیان و نقصان رودها، تغییرات آب‌وهوایی و... آسیب‌های جدی به زمین‌های کشاورزی زده یا موجب خشکسالی، قحطی، کمبود محصولات زراعی، گرانی نرخ اجناس و زمینه‌ساز انحطاط اقتصادی بغداد شد. از سوی دیگر، سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد اقتصادی در زمینه اخذ خراج و مالیات، مصادره اموال، نبود نظارت بر بازار، بی‌توجهی به خطوط ارتباطی بغداد، که گذرگاه‌های اصلی واردات و صادرات بودند، موجب اختلال در امر تجارت و رکود اقتصادی بغداد شد.

کلیدواژه‌ها: بغداد، انحطاط اقتصادی، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، دوره عباسی.

* دکترای تاریخ اسلام، دانشگاه الزهرا (س) karimighahi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

۱. مقدمه

بغداد بیش از پنج قرن دارالملک و مرکز خلافت عباسیان بود. پیوند پانصدساله تاریخ بغداد با خلافت عباسی و اهمیت این شهر به لحاظ تأثیری که در تاریخ سیاسی، اقتصادی، علمی و مذهبی جهان اسلام بر جای گذاشت، همواره توجه محققان و پژوهشگران را به این شهر جلب کرده‌است، به گونه‌ای که بسیاری از آنها بررسی تاریخ و جغرافیای تاریخی بغداد را موضوع پژوهش و مطالعه خویش قرار داده‌اند. به‌رغم آنکه تاریخ سیاسی مذهبی و اجتماعی بغداد و خلافت عباسی موضوع پژوهش‌های بسیار قرار گرفته، بررسی علل انحطاط شهر بغداد به‌ویژه انحطاط اقتصادی این شهر در عصر دوم خلافت عباسی صورت گرفته است. با توجه به اینکه شهر بغداد بیش از پنج قرن دارالخلافت عباسیان و کانون بسیاری از حوادث و رخدادهای جهان اسلام بود، بررسی و تبیین علل انحطاط این کلان‌شهر اسلامی ضرورت دارد. این مقاله با رویکردی تاریخی و روش تحلیلی - تبیینی در بررسی علل انحطاط اقتصادی بغداد، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد:

۱. شرایط اقلیمی چه تأثیری بر انحطاط اقتصادی بغداد بر جای گذاشت؟
۲. سیاست‌گذاری‌های اقتصادی چه تأثیری بر انحطاط اقتصادی بغداد بر جای گذاشت؟

۲. پیشینه پژوهش

محققان بسیاری تاریخ شهر بغداد را در دوره‌های تاریخی مختلف مورد مطالعه و پژوهش قرار داده‌اند. برخی از آنها مانند هانری لائوست (۱۳۵۴: ۶۲-۷۳؛ ۱۳۵۵: ۳/ ۴۸۳-۴۸۵، ۱۳۵۵: ۵/ ۷۵۷-۷۵۵؛ ۱۹۸۶: III/ 158-163)، مقدسی (۱۳۵۵: ۵/ ۷۲۸-۷۳۰)، مادلونگ (۱۳۵۵: ۷/ ۹۳۷-۹۳۹)، طهماسبی (۱۳۸۲: ۱۰۷-۱۲۴) و... تحولات مذهبی شهر بغداد و کلود کاهن (۱۳۵۵: ۱/ ۱۵۴-۱۶۶؛ ۱۳۷۵: ۱۵۸-۱۳۰)، موسوی (۱۳۸۱)، فقیهی (۱۳۶۶) و... تحولات سیاسی این شهر را واکاوی کرده‌اند.

علاوه بر محققان یادشده، عبدالعزیز دوری (۱۳۷۵: ۳-۵۰؛ ۱۳۷۵: ۳/ ۵۳۹-۵۶۳)، دومینیک سوردل (۱۳۵۵: ۱۲۰-۱۳۰)، دوؤما (۱۳۷۵: ۵۳-۱۱۹)، ریچارد کوک (۱۹۶۲) و صالح احمدعلی (۱۹۸۵) جغرافیای طبیعی بغداد و ساختار جمعیتی و بافت مذهبی این شهر را در قرن چهارم هجری بررسی کرده‌اند. همچنین، دوری در کتاب مقدمه فی التاریخ الاقتصادية العربی (۱۹۶۹) و عبدالمجید کیسی در کتاب اسواق بغداد حتی بدایه العصر البویهی (۱۹۷۹) اوضاع اقتصادی بغداد را بررسی کرده‌اند.

دامنه بررسی این محققان معمولاً از یک یا دو قرن فراتر نرفته و زوایای خاصی را از تاریخ بغداد دربرمی‌گیرد، چنان‌که دوری در کتاب خود تأثیر سیاست‌های اقتصادی بویه‌یان را در بروز بحران‌های اقتصادی و اجتماعی عراق و بغداد مورد توجه قرار داده‌است. کیسی نیز ضمن توجه به جغرافیای طبیعی و اقتصادی بغداد، تأثیر بازار، تجار و اصناف مختلف را در ایجاد بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و مذهبی بغداد بررسی کرده‌است، اما بررسی او محدود به قرون دوم و سوم هجری بوده و دورهٔ پرتحول استیلای آل‌بویه و آل‌سلجوق را بر بغداد دربرنمی‌گیرد.

با توجه به اینکه پژوهش‌های صورت‌گرفته دربارهٔ بغداد، شرایط سیاسی و مذهبی این شهر را مورد بررسی قرار داده‌اند و کمتر پژوهشی به تبیین علل انحطاط اقتصادی بغداد در عصر خلافت عباسی پرداخته‌است، پژوهش حاضر در این باره ضرورت دارد.

۳. تأثیر شرایط اقلیمی بر انحطاط اقتصادی بغداد

مهم‌ترین شاخصه‌هایی که دربارهٔ شرایط اقلیمی یک منطقه باید بررسی شود، شبکهٔ نهری و قنات‌ها و شرایط آب‌وهوایی است. در این بخش به بررسی شرایط اقلیمی بغداد و تأثیر آن بر انحطاط اقتصادی این شهر می‌پردازیم.

۱.۳ شبکهٔ نهری شهر بغداد

منطقهٔ بغداد در دشتی حاصل‌خیز میان دجله و فرات قرار داشت و شبکه‌ای از نهرها آن را دربرگرفته بود. نهرها به منزلهٔ استحکامات شهر بود و در رونق تجارت و کشاورزی مؤثر بود (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴-۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۱۶۵). رودهای مهمی چون صراه، عیسی، بزازین، کرخایا، طابق، دجاج، موسی، فضل، نهر مهدی و نهر معلی در کنار شبکهٔ به‌هم‌پیوسته‌ای از قنات‌ها که سرتاسر شهر را دربرگرفته بود، موجب رونق کشاورزی در آنجا بود (یاقوت حموی، ۱۹۹۰: ۴/۲۵۲؛ یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴، ۶؛ خطیب بغدادی، بی‌تا: ۱/ ۹۱-۹۲، ۱۱۱-۱۱۵).

شط دجله اهمیت بسیاری در رونق تجارت بغداد داشت و مهم‌ترین راه بحری دارالخلافه به‌شمار می‌رفت. این رودخانه اگرچه راه اصلی واردات کالا به بغداد بود، همواره به دو دلیل برای ساکنانش دردسرافرین بود: مشکل بزرگ بغداد طغیان‌های مکرر دجله بود.

فیضان و طغیان‌های مکرر دجله و فرات، علاوه بر آنکه خسارات بسیاری به خانه‌ها، مراکز کسب و زمین‌های مزروعی اطراف شط می‌زد، موجب توقف موقت حرکت کشتی‌ها و کاهش واردات کالا به شهر می‌شد. نابودی محصولات زراعی و کاهش واردات نیز همواره افزایش قیمت را به دنبال داشت. در فاصله سال‌های ۲۳۲ تا ۶۵۶ق، اهالی دارالخلافه بارها و بارها با طغیان دجله و فرات و پیامدهای اقتصادی ناشی از آن روبه‌رو شدند. در برخی موارد، شدت طغیان به حدی بود که چندین ماه ادامه‌می‌یافت و مردم نیز قادر به مهار آن نبودند. طغیان دجله در سال ۳۲۸ق موجب غرق‌شدن بسیاری از مردم و چهارپایان، شکسته‌شدن پل‌ها و ورود آب به نواحی غربی بغداد شد (ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۷/۵۸۶). در سال ۳۷۰ق، فیضان رود فرات بسیاری از زمین‌ها و محصولات کشاورزی را زیر آب برد و پل‌ها را شکست. طغیان فرات تا سه ماه ادامه‌یافت و خسارات بسیاری بر اهالی غرب بغداد وارد کرد (ابن‌اثیر، ۱۹۹۴: ۵/۴۴۳). بالاآمدن آب دجله در سال ۴۰۱ق به محله‌های شاطئه، باب‌الشعیر، باب‌الطاق، باب‌التین و دقیق آسیب بسیار رساند (ابن‌جوزی، بی‌تا: ۱۵/۷۷). وسعت طغیان دجله در سال ۴۶۶ق به حدی بود که بیش از هزار خانه ویران، عده بسیاری از اهالی و بسیاری از چهارپایان غرق و اموال مردم نابود شد (ذهبی، ۱۹۹۸: ۳۱/۲۴).

شدت طغیان دجله گاهی از اوقات موجب خرابی آب‌بندها و جاری‌شدن سیل می‌شد، چنان‌که در طغیان سال ۵۴۶ق، مجرای آب بند نهروان، که مجاهدین‌بهر روز آن را ساخته‌بود، شکافته‌شد و خسارات فراوانی بر مردم وارد آورد (ابن‌اثیر، ۱۹۹۴: ۷/۸۶). در فیضان دجله در سال ۶۱۴ق، آب به مقبره‌ابی حنیفه، رصافه، جامع‌المهدی و قریه‌ملکیه رسید و نماز در مسجد جامع سلطانی تعطیل شد. در وقوع این سیل، بیشترین آسیب به کرانه غربی بغداد وارد شد. اکثر روستاها، بستان‌ها و محله‌های باب‌البصره، باب‌التین، حریم طاهری، قطفتا، خانه‌های اطراف نهر عیسی و مرقد احمدبن‌حنبل ویران شد (همان: ۷/۵۵۴). شدیدترین طغیان دجله در سال ۶۴۶ق اتفاق افتاد و خسارات مالی و تلفات جانی بسیاری به‌بارآورد. مردم قادر به جلوگیری از ورود آب به شهر نبودند. دیوارها و کاروان‌سراهای بغداد، محله‌های شطانیه، سوق‌المدرسه و درب‌المسعود ویران شد. ارتفاع آب در مدرسه نظامیه به شش ذراع رسید و محله رصافه در آب غرق شد. محله‌های جانب غربی بغداد از حریبه تا حلیات منهدم شد؛ فقط، قسمتی از باب‌البصره و کرخ در امان ماند. بارو و خانه‌های مشهد کاظمین ویران شد و مرقد ائمه را آب فراگرفت. محله حریم طاهری جامع منصور، رباط زوزنی و قبور خلفا نیز در آب فرورفت و ویران شد. اهالی فقط به فکر نجات جان خود

بوده و به دارایی خود نمی‌اندیشیدند. با این حال، بسیاری از خانه‌ها بر سر ساکنانش خراب شد (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۱۴۶-۱۴۷). طغیان دجله در سال ۶۵۳ق نیز حادثه آفرید. طوفان بیش از سه‌هزار نخل را از بین برد و جاری شدن سیل موجب شکسته شدن سیل‌بندها و ویرانی مسجد قمریه شد (همان: ۱۷۳-۱۷۴). در سال ۶۵۴ق، فیضان آب دجله موجب جاری شدن سیل در دو ناحیه بغداد شد.

علاوه بر خطر طغیان، نقصان آب دو رودخانه دجله و فرات هم موجب بروز مشکلات اقتصادی در بغداد می‌شد. پایین رفتن سطح آب دجله و فرات در حرکت کشتی‌ها اختلال ایجاد می‌کرد. ابن جوزی گزارش‌هایی از پایین رفتن آب دجله در سال‌های ۴۰۰ق (ابن جوزی، بی تا: ۱۵/۷۰) و ۵۷۲ق (همان: ۱۸/۲۲۶) داده و می‌نویسد نقصان آب دجله به حدی بود که جزایر بسیاری از زیر آب بیرون آمد و کشتی‌ها در میان شط متوقف شدند. کاهش آب دجله در سال ۶۰۷ق هم موجب خسارات بسیاری شد (ابن اثیر، ۱۹۹۴: ۷/۵۲۹-۵۳۰).

فیضان و نقصان آب دجله و فرات همواره به زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها آسیب زده و موجب نابودی محصولات می‌شد. در نتیجه، بازار با کمبود محصولات کشاورزی مواجه می‌شد و قیمت محصولات بالا می‌رفت. از سوی دیگر، طبقه ضعیف جامعه امکان خرید محصولات را نداشته، با فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کردند.

۲.۳ شرایط آب‌وهوایی بغداد

یکی از ارکان مهم اقتصاد بغداد کشاورزی بود. محصولات کشاورزی علاوه بر تأمین نیاز اهالی بغداد، به مناطق اطراف نیز صادر می‌شد و منبع مهم درآمد برای کشاورزان بود. مهم‌ترین مشکلاتی که کشاورزان با آن روبه‌رو بودند، نوسان آب‌وهوایی بغداد و نیز سیاست‌های مالیاتی حکومت بود. این دو عامل تأثیر بسیاری در رونق یا رکود کشاورزی بر جای می‌گذاشت.

کاهش یا افزایش ریزش‌های جوی یکی از عوامل مؤثر در نابسامانی کشاورزی بغداد بود. کاهش بارندگی آسیب‌های جدی به زمین‌های کشاورزی زده، موجب خشکسالی، کمبود محصولات زراعی و گرانی می‌شد. این مسئله در سال‌های ۵۱۸ق، ۵۳۲ق (ابن اثیر، ۱۹۹۴: ۶/۵۹۷) و ۵۳۴ق (همان: ۷/۳۳) موجب کمبود ارزاق و افزایش قیمت‌ها شد.

از سوی دیگر، افزایش بارندگی ضمن آنکه موجب طغیان رودها و جاری‌شدن سیل می‌شد، در کار و زندگی مردم نیز اختلال ایجاد می‌کرد. در سال ۳۳۲ق، افزایش بارندگی، ضمن خرابی بناها، موجب کشته‌شدن عده بسیاری از مردم شد (ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۷/ ۶۰۵). بارندگی در سال ۴۶۶ق باعث جاری‌شدن سیل، نابودی اموال و خانه‌ها و غرق‌شدن عده‌ای از مردم شد (همان: ۸/ ۲۳۹). در ماه صفر همین سال، دوباره در بغداد سیل جاری شد و اهالی از ترس جان به صحرا گریختند (همان: ۲۴۰). بارش‌های پی‌درپی در سال ۶۴۶ق موجب طغیان دجله و جاری‌شدن سیل شد. کشاورزان دست از فعالیت‌های کشاورزی کشیدند. اکثر محله‌ها و بازارهای شهر به زیر آب فرورفت و اموال مردم و سرمایه‌های تجار نابود شد (ابن‌فوطی، ۱۳۸۱: ۱۴۵-۱۴۶).

از دیگر حوادث طبیعی که خسارت بسیاری به اراضی کشاورزی زده و موجب کاهش و گرانی ارزاق می‌شد، می‌توان به تغییر ناگهانی وضعیت آب‌وهوایی، وزش بادهای سرد و آفات زراعی اشاره کرد. سال ۲۳۴ق، وزش باد باعث ازبین‌رفتن محصولات زراعی و کشته‌شدن عده‌ای از مسافران و رهگذران شد (ابن‌تغری بردی، ۱۹۹۲: ۲/ ۳۳۱). ریزش برف در سال ۳۱۴ق موجب ازبین‌رفتن درختان و نخل‌های بسیار شد (ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۷/ ۵۴۴). در سال‌های ۴۱۷ تا ۴۲۰ق، سرمای شدید در عراق باعث نابودی زراعت و درختان نخل شد، به گونه‌ای که محصول خرما کم شد. این امر موجب کاهش صادرات خرما و کاهش درآمد شد (ابن‌اثیر، ۱۹۹۴: ۶/ ۲۴، ۲۸، ۳۳ و ۴۶) وزش باد و سرمای شدید در سال ۴۲۲ق نیز موجب نابودی درختان نخل منطقه سواد بغداد شد. سرمای شدید در سال‌های ۴۵۹ق (ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۸/ ۲۰۴)، ۵۷۲ق (ابن‌جوزی، بی‌تا: ۱۶/ ۱۰۲) و ۵۷۳ق (ذهبی، ۱۹۹۸: ۴۰/ ۱۲، ۱۹) نیز خسارات بسیاری به کشاورزان وارد کرد. آفات زراعی نیز همواره برای کشاورزان مشکل‌آفرین بود، چنان‌که در سال‌های ۵۴۱ق (ابن‌اثیر، ۱۹۹۴: ۷/ ۶۰) و ۶۲۰ق (همان: ۷/ ۶۰۶)، هجوم ملخ به مزارع شهرهای مختلف عراق، قسمت زیادی از غلات و سبزیجات را ازبین‌برد. این امر مردم عراق و موصل را در سال ۶۲۰ق با کاهش خواربار و گرانی مواجه کرد.

تنگناهای اقتصادی ناشی از خشکسالی، قحطی و گرانی تأثیرات سوئی در جامعه بغداد بر جای گذاشت. کاهش بارندگی موجب کاهش فعالیت‌های زراعی و کمبود محصول شده و کشاورزان را مجبور کرد برای فرار از پرداخت مالیات، زمین‌های خود را رها کرده و بگریزند. کاهش باران و وقوع خشکسالی و مرگ‌ومیر ناشی از قحطی و بیماری‌های واگیردار،

عامل دیگر نابسامانی اقتصادی بغداد بود. در فاصله سال‌های ۲۳۲ تا ۶۵۶ق، این خطرها بارها اهالی دارالخلافه را تهدید کرد و جان بسیاری از مردم را گرفت. در سال ۲۵۸ق، بیماری در بغداد شایع شد؛ شدت بیماری به حدی بود که در یک روز در بغداد، دوازده هزار نفر مردند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۵۴۴). سال ۳۲۹ق، کاهش بارش موجب قحطی و کمبود ارزاق شد. مرگ‌ومیر ناشی از گرسنگی چنان زیاد شد که اهالی از دفن مردگان بازمانده و یا آنها را بدون غسل و کفن و نماز به خاک می‌سپردند (ابن اثیر، ۱۹۹۴: ۵/ ۲۲۲). قحطی تا سال ۳۳۰ق ادامه یافت. کثرت اجساد در راه‌ها و شهرها موجب شیوع بیماری شد (ذهبی، ۱۹۹۸: ۶/ ۲۴). در سال‌های ۳۳۳ق (همان: ۲۵/ ۲۱) و ۳۳۴ق (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/ ۱۲۶-۱۲۸) و ۳۲۹ق (همان: ۶/ ۳۴-۳۵)، همچنان قحطی دامنگیر مردم بغداد بود. گسترش و تداوم قحطی موجب افزایش قیمت ارزاق شد، به گونه‌ای که قیمت هر من آرد به شصت درهم رسید و سه رطل نان به یک درهم فروخته شد (ابن اثیر، ۱۹۹۴: ۵/ ۲۴۷). در سال ۳۴۶ق، تعداد بسیاری از ساکنان بغداد به بیماری ورم گلو و ماسرا مبتلا شده، جان خود را از دست دادند (همان: ۶/ ۲۱۳). در سال ۴۹۳ق، شیوع وبا در بغداد جان بسیاری را گرفت، به گونه‌ای که چند جسد را در یک قبر دفن می‌کردند (همان: ۶/ ۳۹۴). بغداد در این دوران با کاهش جمعیت روبه‌رو بود. این مسئله شرایط اقتصادی را بدتر می‌کرد.

۴. تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی حکومت بر انحطاط اقتصادی بغداد

بیشترین نمود اندیشه، رفتار و عملکرد طبقه حاکمه، در عرصه سیاست و اقتصاد بروز و ظهور می‌یابد. حیات و مرگ اقتصادی هر جامعه تابع وضعیت سیاسی آن جامعه بوده و به راهکارها و سیاست‌گذاری‌های حاکمیت بستگی دارد. شهر بغداد اگرچه در نخستین سال‌های خلافت عباسی به دلیل ثبات سیاسی و توجه حکومت به اقتصاد و تجارت بغداد از رونق بسیار برخوردار بود، رفته‌رفته با دست‌به‌دست شدن قدرت از خلفا به ترکان و دیپیمان و سلجوقیان و با وقوع رقابت‌های سیاسی و جنگ‌های داخلی، ثبات اقتصادی بغداد نیز دستخوش آسیب شد.

۱.۴ نبود نظارت بر بازار

سابقه وجود بازار در منطقه بغداد به دوره پیش از اسلام بازمی‌گردد (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴؛

خطیب بغدادی، بی تا: ۱/ ۲۵-۲۶). قرار گرفتن بغداد بر سر راه‌های کاروان‌رو موجب تشکیل بازارهای سالیانه در بغداد بود (همان‌جا). نخستین خلفای عباسی اهتمام بسیاری به توسعه تجاری و اقتصادی بغداد داشتند. منصور از همان ابتدای بنای بغداد، اهتمام بسیاری به بازار داشت. به دستور او، نخستین بازارها در زیر طاق‌های دیوار شهر مدور بنا شد و برای هر بازار محتسبی تعیین گردید تا بر فعالیت کسبه و تجار نظارت کند (طبری، ۱۹۶۶: ۷/ ۶۵۳). تدابیر امنیتی خلیفه را بر آن داشت تا بازارها را از داخل شهر به کرخ، باب‌الشعیر و باب‌المحول انتقال دهد (خطیب بغدادی، بی تا: ۱/ ۸۰؛ ابن‌فقیه همدانی، ۱۹۹۷: ۳۷-۳۸).

کرخ در روستای بادوریا واقع در جنوب صراه قرار داشت و از دیرباز مرکز تجارت بود و بازارهای سالیانه در آنجا برپا می‌شد. با انتقال بازار به کرخ، قسمت غربی بغداد از نظر اقتصادی رونق بسیار یافت و کرخ محله بازرگانان و تجار شد (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۷). منصور تمام دکان‌ها را به کرخ منتقل کرد، شاهراه کرخ را وسعت داد و بازارها در آنجا قرار گرفتند. برای هر حرفه بازار خاصی در نظر گرفته شد، چنان‌که بازار بزازان به خرید و فروش پارچه و بازار وراقان به ساخت و خرید و فروش کاغذ اختصاص یافت (همان: ۱۷-۱۸). تخصصی شدن بازار و نظارت حکومت بر آن منافع بسیاری در برداشت؛ از جمله اینکه با نظارت حکومت بر بازار، تجار قادر به بالابردن نرخ اجناس یا احتکار کالا نبودند. علاوه بر بازارهای باب‌البصره، باب‌الشام و بزازین که در قسمت غربی بغداد بنا شد، در بخش شرقی نیز بازارهایی نظیر خضیر، یحیی، خالد برمکی، ریاحین، علافین، دواب، ثلاثاء و عطش برپا گشت (یاقوت حموی، ۱۹۹۰: ۳/ ۱۹۳-۱۹۵).

نظر به اهمیتی که بازار در رونق اقتصادی خلافت عباسیان داشت، حتی انتقال پایتخت به سامرا نیز مانع از بذل توجه خلفا به بازار بغداد نشد، چنان‌که واثق بعد از آتش‌سوزی‌های متعددی که در بغداد رخ داد، مبلغ بسیاری به بازرگانان داد تا به ترمیم بازار بپردازند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۵۱۱).

نظارت بر بازار و تجارت بغداد تا دوران امیرالامرایان، یکی از سیاست‌های مهم اقتصادی خلفا بود. با بروز رقابت‌های سیاسی میان امیرالامرایان ترک و دیلمی و کاهش قدرت خلیفه، بغداد عرصه تاخت‌وتازهای سیاسی و کشمکش‌های مذهبی پیروان مذاهب مختلف قرار گرفت و در نتیجه نظارت بر بازار کاهش یافت.

همچنین، برخی از سیاست‌گذاری‌های موقت که در جریان کشمکش‌های سیاسی اتخاذ می‌شد، به بی‌ثباتی بازار بغداد دامن زد، چنان‌که در جریان شورش سپاهیان در عهد

معتز، علاوه بر غارتگری سپاه و عیاران (ابن اثیر، ۱۹۹۴: ۴/۳۸۸)، عملکرد و سیاست‌گذاری محمدبن عبدالله بن طاهر، والی بغداد، نیز بازار و مراکز کسب بغداد را دستخوش آسیب کرده و کالا و سرمایه‌های بسیاری را از تجار زایل کرد. ابن طاهر به منظور جلوگیری از پیشروی سپاه معتز به جانب شرقی بغداد، پل‌ها و دکان‌های اطراف آن را سوزاند. او همچنین دستور داد خانه‌ها و دکان‌های آن سوی حصار بغداد را ویران کرده و درختان نخل منطقه شمسایه را برای وسعت‌دادن به میدان جنگ قطع کنند (طبری، ۱۹۶۶: ۹/۳۰۳). این‌گونه اقدامات علاوه بر آنکه موجب رکود موقتی بازار می‌شد، در بلندمدت آثار سوء بسیاری مانند کاهش محصولات کشاورزی، گرانی و قحطی در پی داشت.

از دیگر عوامل بی‌ثباتی بازارهای بغداد در کرخ و رصافه، غارت و آتش‌زدن بازار در درگیری‌های فرقه‌ای و سیاسی بود. در فاصله سال‌های ۲۴۰ تا ۶۵۶ق، بارها و بارها بازار بغداد دستخوش آتش‌سوزی و غارت قرار گرفت. وقوع آتش‌سوزی‌های مکرر در محله‌ها و بازارهای بغداد نیز خسارات جبران‌ناپذیری به اهالی دارالخلافه به‌خصوص تجار می‌زد و موجب ازبین‌رفتن مال‌التجاره و کمبود کالا و در نتیجه گرانی می‌شد (تنوخی، ۱۹۷۱: ۲/۱۰۱). از سال ۲۴۰ تا ۳۱۴ق، حریق در محله‌های کرخ (ابن جوزی، بی‌تا: ۱۱/۲۹۴)، سوق‌النجارین، باب‌الشمام (همان: ۱۳/۱۵۵، ۱۸۹، ۱۹۹)، باب‌العامة، رصافه، باب‌الشعیر، مربعه و حطابین (همان: ۱۳/۲۲۰، ۲۶۲)، خسارات بسیار وارد کرد. در آتش‌سوزی سال ۳۱۴ق، هزار خانه و دکان سوخت (ابن کثیر، ۱۹۹۸: ۷/۵۴۴). سال ۳۲۳ق، حریق در کرخ، بازارهای عطارین، جوهرین، خزازین و صیادله را سوزاند (صولی، ۱۹۳۵: ۱/۶۸). در سال ۳۶۱ق، ابوالفضل بن عباس وزیر و حاجبش صافی، به سبب تعصب و افراط در سنگری، محله کرخ را، که پایگاه شیعیان و بازرگانان بسیار بود، به آتش کشید و کالاهای بسیاری سوزاند. در این آتش‌سوزی، هفده‌هزار انسان جان باخت، سیصد دکان، سی‌وسه پل، بسیاری از ساختمان‌های مسکونی و اموال زیادی از مردم ازبین‌رفت (ابن اثیر، ۱۹۹۴: ۵/۳۸۳؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/۳۷۱). در سال ۳۷۱ق، محله کرخ مجدداً در آتش سوخت و عده‌ای از مردم کشته شدند (ابن جوزی، بی‌تا: ۱۴/۲۸۱). در درگیری اهل سنت و شیعیان در سال ۴۲۲ق، مناطق سوق‌العروس، سوق‌الأنماط، سوق‌الصغارین و سوق‌الدقاین آتش گرفته و ازبین‌رفت (همان: ۱۵/۲۱۳). سال ۴۲۶ق، بازار عطارین در آتش سوخت و دکان‌ها و انبارهای تجار مورد غارت عیاران قرار گرفت (همان: ۱۵/۲۴۶). سال ۴۴۹ق، شدت آتش‌سوزی به حدی بود که اکثر محله‌های بغداد از جمله قطیعه عیسی،

سوق الطعام، الكنيس، اصحاب السقط، باب الشعير، سوق العطارين، سوق العروس، الأنماطين، الخشابين، الجزايرين، التمارين، القطيعه، سوق فحول، نهر الزجاج، سويقه، الصفارين و الصباغين در آتش سوخت و اموال مردم از بين رفت. اين در حالی بود که مردم دارالخلافه از گرسنگی و قحطی به تنگ آمده بودند (ابن کثير، ۱۹۹۸: ۱۹۶/۸). در درگیری میان اهالی کرخ و ساکنان باب البصره و قلائین در سال ۴۶۵ق، بخش بزرگی از محله کرخ به آتش کشیده شد (همان: ۲۳۷/۸). در سال ۴۸۷ق، اهالی نهر طابق و باب الأرجا درگیر شده و محله نهر طابق به آتش کشیده شد (ابن اثير، ۱۹۹۴: ۳۵۷/۶). در همین سال، آیتکين، شحنة بغداد، محله باب البصره را به آتش کشاند (همان‌جا). آتش‌سوزی‌ها در سال‌های ۵۰۱ تا ۶۴۵ق ادامه یافت و موجب ویرانی بازار و محله‌های بغداد شد. (ابن جوزی: ج ۱۷/۱۰۹، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۶۱؛ همان: ج ۱۸/۱۵۲، ۱۹۰، ۱۶۴؛ ابن اثير: ج ۷/۱۴۲، ۱۶۵، ۲۱۷، ۲۴۷، ۲۴۰، ۲۴۳؛ ذهبی: ج ۷/۳۵، ۳۸، ۲۷۲، همان: ج ۳۹/۵، ۳۳، ۴۸)

علاوه بر آتش‌سوزی، بازارهای بغداد در تمام این سال‌ها در معرض غارت سپاهیان و عیاران بود. عیاران به بهانه گرانی و کمبود کالا و سپاهیان به بهانه کاهش حقوق و عدم پرداخت جیره، دست به دزدی زده، بازارها و منازل مردم را غارت می‌کردند. ضعف حکومت مانع از نظارت جدی بر بازار و دفع این گونه حملات بود. در شورش عمومی سال ۲۴۹ق، بازار و خانه‌های بغداد به غارت رفت (طبری، ۱۹۶۶: ۹/۲۶۲؛ ابن اثير، ۱۹۹۴: ۳۵۹/۴). در سال ۳۲۳ق، اهل سنت با همدستی حجریه و ساجیه، دست به اختشاش زده و بازارها را غارت کردند (ذهبی، ۱۹۹۸: ۲۸/۲۴). در سال ۳۶۴ق، عیاران و سپاهیان شورش کرده، بازارهای بغداد را سوزانده، اموال مردم را به غارت بردند (همان: ۲۵۷/۲۶). در سال ۳۸۴ق، عیاران خانه‌ها و بازارهای بغداد را غارت کرده و عده‌ای از اهالی را به قتل رساندند (ابن کثير، ۱۹۹۸: ۶۹/۸). در سال ۴۱۶ق، عیاران دست به غارت اموال و کشتار مردم زده و محله کرخ را به آتش کشیدند. اقدامات آنان موجب افزایش قیمت شد (ابن اثير، ۱۹۹۴: ج ۶/۲۰). در سال ۴۱۷ق، سپاهیان محله کرخ را غارت و اموال مردم را مصادره کردند (همان: ۲۲). در سال ۴۴۵ق، ترکان بازار کرخ را آتش زدند (همان: ۱۶۸-۱۶۹).

در سال ۵۳۰ق، در کشاکش میان سلطان مسعود سلجوقی با خلیفه الراشد، اهالی محلات مختلف بغداد و عیاران دست به آشوب و فساد زده، بازار و محله‌های غربی بغداد را به آتش کشیدند (همان: ۷/۹-۱۲). در سال ۵۳۳ق، سلطان مسعود سلجوقی برای

آرام کردن اوضاع دارالخلافه و بهبودبخشیدن به وضعیت اقتصادی آنجا، به بغداد آمد. او به همین منظور باج‌های مرزی و بازرگانی را موقوف ساخت و دستور داد اعلان‌هایی در این خصوص نوشته و برای آگاهی مردم بر سردر مساجد و بازار نصب کنند (همان: ۲۹/۷). سلطان مسعود در سال‌های ۵۳۶ و ۵۳۸ ق مجدداً به بغداد بازگشت. او فرامین جدیدی برای مقابله با عیاران و دزدانی که با هم‌دستی برخی از بزرگان اوضاع دارالخلافه را ناامن کرده بودند، صادر کرد (همان: ۴۲/۷). با این همه، عیاران همچنان به غارت و تاراج اموال مردم مبادرت می‌کردند و داروغه بغداد نیز از سرکوب آنان ناتوان بود. فتنه‌گری عیاران و غارت دکان‌ها در سال‌های بعد نیز ادامه یافت (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

نبود نظارت بر بازار و عملکرد تجار گاه موجب افزایش تورم و گرانی می‌شد. در دوران آشوب پس از خلع مهدی، قیمت‌ها چنان بالا رفت که نرخ شش بار جو به ۱۲۰ دینار و نرخ گندم به ۱۵۰ دینار رسید و این افزایش قیمت تا چند ماه ادامه یافت (طبری، ۱۹۶۶: ۹/۵۱۰). در دوره امارت جلال‌الدوله، بغداد دچار قحطی و گرانی شد (ابن اثیر، ۱۹۹۴: ۶/۱۳۶). در سال ۴۹۳ ق، گرانی به حدی رسید که یک کرغله به ۷۰ دینار فروخته می‌شد (همان: ۶/۳۹۴). علاوه بر خشکسالی و جاری شدن سیل، که به محصولات کشاورزی آسیب زده، موجب کاهش محصولات و افزایش نرخ‌ها می‌شد، یکی از دلایل گران شدن کالا، احتکار اجناس بود. معمولاً، تجار به منظور حفظ نرخ اجناس و کسب سود بیشتر، به احتکار کالا اقدام می‌کردند. این مسئله موجب گرانی شده و خشم مردم را برمی‌انگیخت. در جریان گرانی کالا در سال ۳۰۷ ق، مردم علیه حامد بن عباس شورش کردند. خلیفه که می‌دانست علت گرانی غله احتکار آن توسط تجار و برخی از شاهزادگان و دیوانیان است، به محتسب دستور داد موجودی انبارها را به قیمت مناسب در اختیار مردم گذارد (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۵/۱۲۹-۱۳۲).

۲.۴ بی‌توجهی به راه‌های بحری و بری تجارت

شهر بغداد به مثابه چهار راه بزرگی بود که به مناطق مهم شام، عربستان، ایران، مصر، چین، هند، حبشه، تبت، خزر، دیلم، ارمنستان و روم مربوط می‌شد (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴-۶؛ طبری، ۱۹۶۶: ۷/۶۱۷). بغداد از طریق راه‌های کاروان‌رو به جبل، اصفهان و خراسان مربوط می‌شد (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۶) و از آنجا با سرزمین‌های هند، چین و تبت پیوند می‌خورد (همان: ۴). علاوه بر راه‌های بری، بغداد از طریق راه‌های بحری نیز با بسیاری از

سرزمین‌های مسلمان و غیرمسلمان ارتباط داشت. راه‌های بحری در کنار خطوط کشتیرانی، عامل مهم رونق اقتصادی بغداد بود. دو رود دجله و فرات، که شهر را مانند جزیره‌ای دربرگرفته بود، مهم‌ترین راه آبی برای تجارت با سایر مناطق بود. شهر بغداد از طریق مسیر کشتیرانی دجله با شهرهای واسط، بصره، ابله، اهواز، فارس، موصل، یمامه، بحرین، دیار ربیع، آذربایجان، ارمنستان و سرزمین‌های چین، هند، جزیره و روم ارتباط داشت و از طریق مسیر کشتیرانی فرات به رقه، دیار ضر، شام و مصر مربوط می‌شد (همان: ۶؛ طبری، ۱۹۶۶: ۷/ ۶۱۷-۶۱۸). انواع کالا، آذوقه، خواربار و سایر اجناس از این مناطق وارد بغداد می‌شد و واردات فراوان موجب رونق اقتصادی، فراوانی اجناس و کاهش قیمت بود (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴).

رکن مهم اقتصاد بغداد تجارت بود که از طریق راه‌های بحری و بری انجام می‌گرفت. علاوه بر صادرات کالا که بخشی از درآمد تجار را تأمین می‌کرد، بغداد برای تأمین مواد غذایی به واردات متکی بود. در قرن سوم و چهارم هجری، راه‌های بغداد بر اثر جنگ میان مدعیان خلافت و امیرالامرای و افزایش ناامنی و راهزنی مختل شده و کاهش واردات موجب رکود تجارت شده بود. سیاست‌هایی که در جریان رقابت‌های سیاسی و جنگ‌های داخلی برای غلبه بر رقیب اتخاذ می‌شد، تبعات سوء اقتصادی در پی داشت. در سال ۲۵۲ق، در جریان درگیری معتز و مستعین بر سر خلافت، خطوط ارتباطی بغداد اعم از راه‌های بری و بحری بسته و کشتی‌های حامل کالا سوزانده شد. این قضیه واردات کالا را به بغداد با مشکل روبه‌رو ساخت و موجب کمبود کالا و افزایش قیمت شد. محاصره بغداد و کاهش واردات، اهالی را با خطر گرسنگی مواجه ساخت (طبری، ۱۹۶۶: ۹/ ۳۲۷؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲/ ۵۳۱). در سال ۲۷۲ق، اهالی سامراء از حرکت کشتی‌های آرد به سوی بغداد جلوگیری کردند. مردم بغداد نیز به تلافی این کار، از صدور روغن، صابون، خرما و سایر کالاها به سامرا خودداری کردند و این مسئله موجب گرانی نان شد. در این بین، برخی از تجار مانند طایی برای افزایش قیمت، دست به احتکار غله زده و مانع توزیع آن شدند (طبری، ۱۹۶۶: ۱۰/ ۱۰). در سال ۳۳۴ق، خبر استیلای معزالدوله بر بغداد، ناصرالدوله حمدانی را به رویارویی او کشاند. در جریان جنگ، ناصرالدوله راه ورود آذوقه را بر لشکر معزالدوله بست. این اقدام موجب افزایش قیمت و کمبود آذوقه و خواربار شد (ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۳/ ۶۲۸). تکرار این حوادث در سال‌های بعد، به‌ویژه در جریان درگیری عضدالدوله و بختیار، نابسامانی بغداد را تشدید کرد (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/ ۴۰۳).

۳.۴ مصادرهٔ اموال بازرگانان

از دیگر علل نابسامانی اقتصادی بغداد، سیاست مصادره و ضبط اموال بود. در روزگار خلافت مقتدر، اعمال این سیاست موجب شد بزرگان بغداد از ترس مصادره، ذخایر مالی خود را پنهان کنند. این اقدام موجب کاهش پول نقد و افزایش نرخ تورم شد. در نتیجه، تجارت از رونق افتاده و بازار دچار رکود گشت. واکنش اهالی بغداد به این بی‌سامانی‌ها شورش و خشونت بود، به گونه‌ای که به دنبال هر مصادره‌ای که صورت می‌گرفت، موجی از ناآرامی و اغتشاش نیز دارالخلافت را فرامی‌گرفت. در جریان دستگیری و مصادرهٔ اموال ابن‌فرات، بغداد به آشوب کشیده‌شد و مردم غارت شدند (همان: ۷/ ۷۱-۷۰). با وجود آنکه درآمد حاصل از مصادره‌ها به بیت‌المال واریز می‌شد، خزانهٔ عباسیان همچنان تهی بود. خاقانی، وزیر مقتدر، به بهانهٔ کمبود بودجه، از پرداخت حقوق به سپاهیان خودداری کرد؛ در نتیجه با شورش سپاه روبه‌رو شد. خلیفه برای فرونشاندن غائله، مبلغ پانصد هزار دینار از موجودی بیت‌المال را به سربازان آشوبگر اختصاص داد (همان: ۷/ ۷۵).

ابوجعفر بن شیرزاد به منظور جلب رضایت و حمایت سپاهیان ترک و دیلمی، موجب آنها را افزایش داد، اما در پرداخت آن با مشکل مواجه‌شد. از این رو، از حسین بن حمدان خواست سفته‌هایی به مبلغ پانصد هزار درهم و مقادیری آرد برایش بفرستد. ناصرالدوله به این کار تن نداد و او برای تأمین مواجب سپاهیان، حقوق آنها را میان دبیران، کارگزاران، بازرگانان و دیگر اقشار بغداد قسط‌بندی کرد. او همچنین برای تأمین جیرهٔ سپاه، به مصادرهٔ اموال بازرگانان پرداخت. جاسوسان او نزد هرکس که گندم یا آذوقهٔ دیگری می‌یافتند، گزارش داده، فوراً توقیف می‌شد (همان: ۶/ ۱۱۶). این‌گونه اقدامات در کنار افزایش نرخ مالیات، موجب فرار بازرگانان از دارالخلافت شد (همان: ۱۱۷).

در دورهٔ آل‌بویه، بسیاری از بزرگان به سبب ترس از مصادرهٔ اموال یا غارت املاکشان، بغداد را ترک کردند، چنان‌که عمر بن حسن شیبانی از ترس مصادرهٔ اموالش به مصر رفت. با این حال، در سال ۴۱۸ق، دارایی او نیز مشمول سیاست تقسیط اموال قرار گرفت و به غارت رفت (ابن‌اثیر، ۱۹۹۴: ۳۳/۶). سیاست مصادرهٔ اموال در دورهٔ الناصر به قوت خود باقی بود. به دستور خلیفه، زمین‌ها و دارایی مردم توقیف شد و نرخ مالیات و عوارض پس از یک وقفهٔ کوتاه مجدداً برقرار گشت (همان: ۶/ ۶۲۰-۶۲۱).

۴.۴ سیاست‌های مالیاتی ناکارآمد

اخذ انواع مالیات از اقشار مختلف جامعه، یکی دیگر از منابع درآمد حکومت‌هاست. در شرایط ثبات سیاسی و اقتصادی و با اتخاذ سیاست‌های مالیاتی مناسب، دولت‌ها می‌توانند درآمد اقتصادی خود را افزایش دهند. نبود نظارت بر نظام مالیاتی و سیاست‌گذاری‌های نادرست و ناکارآمد می‌تواند نتیجه عکس داشته باشد و بر بحران اقتصادی بیفزاید.

کارگزاران عباسی نیز از این قاعده مستثنا نبودند، چنان‌که علی بن عیسی، جانشین خاقانی، برای آنکه به مشکل کسری بودجه دچار نشود، سیاست‌های اقتصادی نظیر تعیین نرخ جدید مالیات، انعقاد پیمان‌نامه‌های خراج را اجرایی کرد (ابن اثیر، ۱۹۹۴: ۱۱۴-۱۲۹) و کوشش بسیاری برای گردآوری مالیات، خراج و مکس از نقاط مختلف قلمرو عباسی به‌کار بست. همچنین، درآمدهای بزرگان را که در دوره خاقانی افزایش یافته بود، کاهش داد. اقدامات وی موجب افزایش درآمد شد. او بخشی از درآمد دولت را صرف رسیدگی به مردم و آباد کردن شهرها کرد (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۵/ ۷۹-۸۱).

در سال ۳۲۴ق، ابن رائق به بهانه هزینه سنگین سپاه، از ارسال مالیات واسط به بغداد خودداری کرد (همان: ۶/ ۹). در سال ۳۲۶ق، ناصرالدوله خراج موصل و مالیات دهات را برای خلیفه الراضی نفرستاد و او را با کسری بودجه مواجه ساخت (همان: ۶/ ۸-۹). این مسئله موجب شد وزیر الراضی برای جبران کسری بودجه، خراج را افزایش دهد. افزایش خراج خشم عمومی را در پی داشت (صولی، ۱۹۳۵: ۱/ ۱۷).

در دوره امیرالامرای بجکم، ابو جعفر بن شیرزاد، دبیر وی، به بهانه گرانی نرخ‌ها، به افزایش مالیات اقدام کرد و کشاورزان را مجبور کرد محصولات خود را پیش‌فروش کنند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/ ۱۶). اعمال چنین سیاست‌هایی باعث می‌شد کشاورزان زمین‌های مزروعی را رها کرده و بغداد را ترک کنند. با کاهش زمین‌های زیر کشت، تولید محصولات کاهش یافته و قحطی و گرانی دامن‌گیر اهالی بغداد می‌شد.

با تسلط بریدیان بر بغداد، آنان سیاست‌های مالیاتی جدیدی را در پیش گرفتند که مردم را به ستوه آورد. بریدیان مالیات جدیدی بر گندم بسته و برای هر کر گندم، هفتاد درهم مالیات تعیین کردند. آنان در گرفتن جزیه از اهل ذمه ستم بسیار کردند. بریدیان اموال تجار بغداد را مصادره و خسارت بسیاری به آنان وارد کردند (همان: ۶/ ۵۴). در سال ۳۷۵ق، اخذ مالیات از پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای در زمان ابوکالیجار موجب شورش بسیاری از کارگران پارچه‌باف شد (ابن اثیر، ۱۹۹۴: ۵/ ۴۶۷). سال ۴۱۷ق، ترکان اموال مردم را

مصادره کردند و دارایی آنها را گرفتند. آنها برای ساکنان کرخ صد هزار دینار مالیات تعیین کردند؛ به همین سبب، اهل کرخ دست به شورش زدند. ترکان خانه‌های کرخ را آتش زده و بازار و دروازه‌های آنجا را سوزاندند (ابن اثیر، ۱۹۹۴: ۶: ۲۲).

ویرانی روستاها، اراضی کشاورزی و باغ‌ها، خلیفه الظاهر را بر آن داشت در دریافت خراج تجدید نظر کند. به دستور او، فقط از درختان سالم خراج گرفته شد و اراضی که به ویرانی افتاده و درختانش خشک شده بود، از پرداخت خراج معاف شدند. معافیت و بخشش مالیاتی در منطقه‌ای به هفتاد هزار دینار رسید. خلیفه همچنین نامه‌ای خطاب به کم‌فروشان نوشته و آنان را از این عمل منع کرد (همان: ۷/ ۶۲۲). سیاست‌های الظاهر فقط به بغداد منحصر نبود، بلکه شهرهای دیگر را نیز شامل می‌شد. با افزایش قیمت در موصل، خلیفه مقادیری آذوقه به آنجا ارسال و واردات و فروش غله را در موصل آزاد کرد. این فرمان موجب افزایش واردات غله در موصل و جزیره و کاهش نرخ تورم شد (همان: ۷/ ۶۲۳). این‌گونه اقدامات کوتاه‌مدت بود و با درگذشت الظاهر در سال ۶۲۳ق، نرخ غله دوباره بالا رفت (همان‌جا).

۵.۴ سیاست اقطاع

در دوره امارت آل‌بویه بر بغداد نیز سیاست‌گذاری‌های آنان اوضاع اقتصادی بغداد را نابسامان کرد. معزالدوله برای تأمین حقوق سپاه، به اخذ مالیات از راه‌های غیرقانونی اقدام کرد. او به همین منظور مالیات املاک خالصه سلطنتی، املاک مالکان فراری و مناطق خرده‌مالکی را به تیول در اختیار سرداران ترک و دیلمی خویش قرارداد، تا جایی که بیشتر سواد از دست کارگزاران دولتی خارج شده، به صورت اقطاع در اختیار مالکان بزرگ قرار گرفت. به این ترتیب، به جز اندکی از مناطق آزاد باقی‌نماند. سیاست واگذاری اقطاع به سرداران، به کاهش امور دیوانی و از بین رفتن دفاتر بازرسی و دیوانی انجامید (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/ ۱۳۱-۱۳۵). عدم استفاده نکردن بهینه از اقطاع، به زودی موجب از بین رفتن اراضی کشاورزی و کاهش محصولات و درآمد شد. سیاست گسترش اقطاع و بالابردن درآمد سپاه، موجب افزایش هزینه‌ها و کاهش درآمد شد. کسری بودجه در درازمدت به کاهش حقوق دیلمیان نسبت به ترکان انجامید و موجب بدبینی رقابت و کشمکش میان آنان شد (همان: ۶/ ۱۳۵، ۲۲۰؛ ابن اثیر، ۱۹۹۴: ۵/ ۲۷۳). نپرداختن حقوق سپاه در سال ۳۳۴ق، موجب شورش سپاه علیه معزالدوله شد (همان). کاهش درآمد موجب می‌شد امرای

بویهی به مصادرهٔ اموال سرداران اقدام‌کنند. بختیار در سال ۳۶۳ق اموال سبکتکین را مصادره کرد. به دنبال این اقدام، جدال سختی میان سبکتکین و ترکان با بختیار و دیلمیان صورت گرفت. آشوب به سطح شهر و اهالی بغداد کشیده شد. شیعیان به حمایت از دیلمیان و سنیان به پشتیبانی ترکان به منازعه پرداختند؛ عیاران نیز فرصت را غنیمت شمرده، بازار و منازل مردم را غارت کردند. در این واقعه، بازارهای کرخ طعمهٔ حریق شد و شرایط اقتصادی بیش از پیش آشفته گشت (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶ / ۳۹۱-۳۹۲).

۶.۴ بی‌توجهی به نظام آبیاری

اقتصاد بغداد بر پایهٔ کشاورزی استوار بود، اما غفلت از نظام آبیاری در اقطاعات، خرابی نهرها و قنات‌ها، خسارات بسیاری بر کشاورزی وارد آورده و کمبود مواد غذایی و کاهش درآمد را در پی داشت.

بی‌توجهی به قنات‌ها و نظام آبیاری و وضعیت رودها و نهرهای بغداد، عامل دیگر رکود اقتصادی این شهر بود. به‌رغم اهمیت بسیاری که قنات‌ها و رودها در رونق کشاورزی داشتند، در دوران امارت ترکان و بویهیان بر بغداد، درگیری‌های سیاسی چنان امیران را سرگرم ساخته بود که از توجه به لایروبی قنات‌ها و رودها بازمی‌ماندند.

رقابت امیرالامرایان موجب آشفته‌گی و پریشانی بغداد شد. ظلم و ستم، فقدان امنیت و افزایش فتنه‌ها ساکنان بغداد را در اضطراب و فقر و گرسنگی فروبرد. افزایش قیمت، قحطی‌های مکرر و توقف تجارت، رکود اقتصادی دارالخلافه را به دنبال داشت. این در حالی بود که هیچ‌یک از مدعیان قدرت در صدد جبران خسارات و خرابی‌های وارده بر بغداد برنیامدند، چنان‌که در جریان درگیری ابن‌رائق و بجکم، ابن‌رائق نهر دیالی را شکافت که در نتیجهٔ آن، سد نهروان درهم‌شکست و بسیاری از زمین‌های مزروعی خراب شد (صولی، ۱۹۳۵: ۱ / ۱۰۵-۱۰۶)، اما دولت هیچ اقدامی برای ترمیم سد به عمل نیاورد.

عضدالدوله برای رونق‌بخشی به تجارت، راه‌ها را امن و نهرهای بغداد را لایروبی کرد. به دستور او، خانه‌ها، مساجد و بازارهای بغداد مرمت شد (همان: ۱ / ۴۷۷-۴۸۱). با وجود این، سیاست مصادره، واگذاری اقطاع و افزایش مالیات در زمان وی و جانشینانش و تمام دورهٔ سلجوقی همچنان ادامه داشت و اوضاع بغداد را با بحران اقتصادی مواجه ساخت.

جنگ‌های داخلی و آشوب‌های شهری، بغداد را چنان به نابسامانی کشانده بود که اندک اقدامات اصلاحی خلفا (ابن اثیر: ۷ / ۵۲۰) و کارگزارانشان (همان: ۳۳) یا حتی یافتن

گنجینه‌ای از سکه‌های قدیمی (ابن فوطی، ۱۳۸۱: ۱۵۲-۱۵۳) نیز نمی‌توانست ساکنان دارالخلافه را از درد و رنج‌هایی بخشیده و به بهبود اوضاع کمک کند.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله، با تمرکز بر دو عامل شرایط اقلیمی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی حاکمیت، به بررسی علل انحطاط اقتصادی بغداد در عصر خلافت عباسی پرداختیم. این بررسی نشان‌داد یکی از مهم‌ترین علل نابسامانی اقتصادی بغداد، شرایط جغرافیایی و آب‌وهوایی این شهر بود. تغییر ناگهانی وضعیت آب‌وهوایی، کاهش یا افزایش ریزش‌های جوئی، طغیان رودها، وزش بادهای سرد و آفات زراعی آسیب‌های جدی به زمین‌های کشاورزی زده، موجب خشکسالی، قحطی و کمبود محصولات زراعی می‌شد. افزایش باران نیز موجب طغیان دجله و فرات و جاری‌شدن سیل شده و به زمین‌های کشاورزی و محصولات آسیب می‌زد. این شرایط جوئی موجب کمبود محصولات و گرانی نرخ اجناس می‌شد. مردم که از قحطی در رنج بودند، تاب گرانی را نیاورده و سر به شورش می‌گذاشتند. از دیگر علل نابسامانی اقتصادی بغداد، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نادرست بود. سیاست‌هایی مانند تعیین نرخ مالیات، انعقاد پیمان‌نامه‌های خراج، مصادرهٔ اموال تجار و بزرگان که بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی ساکنان بغداد اتخاذ می‌شد، آثار سوء بسیاری به همراه داشت که معمولاً به صورت نگرانی، ترس عمومی و شورش اهالی بغداد بروز می‌یافت. عامل دیگر نابسامانی اقتصادی بغداد، بی‌توجهی به خطوط ارتباطی بغداد اعم از راه‌های بری و بحری، موجب کاهش واردات و صادرات کالا و رکود تجاری بغداد شد. این مسئله علاوه بر آنکه موجب اختلال در امر تجارت شده و زیان‌های فراوانی به تجار می‌زد، برای ساکنان بغداد نیز کمبود کالا و افزایش قیمت را به دنبال داشت. نبود نظارت بر وضعیت مراکز تجاری و بازارهای بغداد در دو ناحیهٔ کرخ و رصافه، به‌ویژه در دورانی که خلافت عباسی دچار بی‌ثباتی سیاسی و درگیر جدال‌های سیاسی و فرقه‌ای بود، عامل دیگر رکود تجارت و بی‌ثباتی بازار شده و از رهگذر بی‌ثباتی بازار، درآمد و هزینه‌های دولت تغییر می‌کرد. دولت‌مردان می‌کوشیدند با اتخاذ سیاست‌های مالیاتی یا کاهش حقوق افراد، کسری بودجه را جبران کنند و هزینه‌های دولت را کاهش دهند. اما، مصادرهٔ اموال و املاک، موجب فرار بسیاری از تجار و کسبهٔ بغداد می‌شد و نرخ‌های سنگین مالیات، بسیاری از کشاورزان را وادار به فرار می‌کرد.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۹۹۴). *الکامل فی التاریخ*، ج ۴، ۵، ۶، ۷، ۸. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن تغری بردی، یوسف بن تغری (۱۹۹۲). *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، به اهتمام محمدحسین شمس‌الدین، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی (بی تا). *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، به اهتمام محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، مصحح نعیم زرزور، ج ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن الخلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶). *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۳، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن الفقیه الهمدانی (۱۹۹۷). *بغداد مدینه السلام*، به اهتمام صالح احمد العلی، عراق: سلسله التراث.
- ابن فوطی، عبدالرزاق بن احمد (۱۳۸۱). *الحوادث الجامعه (روایدهای قرن هفتم هجری)*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ابن کنبر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۹۹۸). *البدایه و النهایه و معه نهایه البدایه و النهایه فی الفتن و الملاحم*، به کوشش یوسف الشیخ محمد البقاعی، صدقی جمیل العطار، ج ۷، ۸، بیروت: دارالفکر.
- ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد (۱۳۷۶). *تجارب الامم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: توس.
- احمد العلی، صالح (۱۹۸۵). *بغداد مدینه السلام الجانب الغربی*، بغداد: مطبعه المجمع العلمی العراقی.
- التنوخی، محسن بن علی (۱۹۷۱). *نشوار المحاضره و اخبار المذاکره*، به اهتمام عبود الشالچی، ج ۲، بی جا: بی نا.
- خطیب البغدادی، احمد بن علی (بی تا). *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، ج ۱، قاهره: دارالفکر.
- دوری، عبدالعزیز (۱۳۷۵). «بغداد»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۳، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- دوری، عبدالعزیز (۱۹۶۹). *مقدمه فی التاریخ الاقتصادی العربی*، بیروت: دارالطلیعه للطباعه و النشر.
- دوؤما، ا (۱۳۷۵). «جغرافیای بغداد»، *بغداد - چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی*، ترجمه ایرج پروشانی، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۹۹۸). *تاریخ الاسلام او و فیات المشاهیر و الاعلام*، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، ج ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۱، ۴۰، بیروت: دارالکتب العربی.
- سوردل، دومینیک (۱۳۷۵). «بغداد پایتخت عباسیان»، *بغداد - چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی*، ترجمه ایرج پروشانی، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۶). *آل بویه و اوضاع زمان ایشان، با کرداری از زندگی مردم آن عصر*، بی جا: دیبا.
- صولی، محمد بن یحیی (۱۹۳۵). *الاوراق - اخبار الراضی بالله و المتقی لله* به اهتمام هیومرت دن، ج ۱، مصر: مطبعه الصاوی.
- طهماسبی، ساسان (۱۳۸۲). «کرخ در دوره آل بویه»، *تاریخ اسلام*، ش ۱۳.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۶). *تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۷، ۹، ۱۰، بیروت: روائع التراث العربی.

- لاؤست، هانری (۱۳۵۴). *سیاست و غزالی*، ترجمه مهدی مظفر، بی جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- لاؤست، هانری (۱۳۵۵). «ابن جوزی»، *دانشنامه ایران و اسلام*، ج ۳، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لاؤست، هانری (۱۳۵۵). «ابن فراء»، *دانشنامه ایران و اسلام*، ج ۵، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کاهن، کلود (۱۳۵۵). «آل بویه»، *دانشنامه ایران و اسلام*، ج ۱، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کاهن، کلود (۱۳۷۵). «بغداد در روزگار آخرین خلفای عباسی»، *بغداد - چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی*، ترجمه ایرج پروشانی، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- الکبسی، عبدالمجید (۱۹۷۹). *اسواق بغداد حتى بداية العصر البويهي*، بغداد: دارالحریه للطباعة.
- کوک، ریچارد (۱۹۶۲). *بغداد مدینه السلام*، ترجمه فواد جمیل و مصطفی جواد، بغداد: جامعه البغداد.
- مادلونگ، ویلیام (۱۳۵۵). «ابواسحاق شیرازی»، *دانشنامه ایران و اسلام*، ج ۷، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مقدسی، جورج (۱۳۵۵). «ابن عقیل»، *دانشنامه ایران و اسلام*، ج ۵، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- موسوی، سید حسن (۱۳۸۱). *زندگی سیاسی، فرهنگی شیعیان بغداد*، قم: بوستان کتاب.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۰). *معجم البلدان*، به اهتمام فرید عبدالعزیز الجندی، ج ۳، ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۶). *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

Laoust, H. (1973). "Les Agitations Religieuses a Bagdad Aux IV et V Siecles De L. Hegira", in *Islamic Society 950-1150*, p 169-185

H. Laoust (1986). "Hanabella", *EI*, Vol. III, ed E. g. Brill, Leiden.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی